

و شکل های مختلف دست را نقاشی نموده و درین قسمت موجوده نزد نگارنده که نقل گردید دارای پنج شکل دست است - چون خواننده از اوصاف مؤلف حالات مختلفه شکل دست را بسهولت تصور مینماید - از نقل تصاویر خود داری شد

توضیحاً بقدریکه بمآخذ رساله دست رسی بود عبارات تصحیح گردیده و بقیه بحال خود عیناً نقل شد .
«مجدالعلی»

از روزنامه تایمز ادبی لندن ۲۷ سپتامبر

ترجمه آقای سعادت نوری اصفهانی

شعر فارسی

ایرانیان امسال جشن هزارمین سال میلاد فردوسی نویسنده داستانهای رزمی مفصلی را که با اسم شاهنشاه معروف است و در حدود ۱۳۴ میلادی قدم بعرصه وجود گذارده منعقد مینمایند. یادآوری از این شاعر بزرگ ملی جای نهایت مسرت است زیرا که فردوسی هر چند اولین شاعری نیست که حکایات سلحشوری را برشته نظم در آورده ولی اولین کسی است که آثار او تا کنون از دستبرد زوال محفوظ مانده در حالیکه از دیگران بطاق تسلیان گذارده شده و بجاه نیستی فرو رفته است . شاهنامه از جنبه ادبی و تاریخی حائز نهایت اهمیت میباشد . تصور میشود که این اولین مرتبه باشد که ایرانیان برای چنین موضوعی تشریفاتی قائل شده و جشن بگیرند و این نکته حاکی از اینست که نهضت ملی که در ده سال اخیر در ایران بوقوع پیوسته باعث توجه بآثار ادبی نیز توأم بوده است . در اواسط قرن هفتم مملکت ایران که اهالی آن از پیروان دیانت زرتشت بودند مورد تاخت و تاز اعراب مسلمان قرار گرفت و طبقه متتوره مملکت هم از لحاظ جنبه ادبی وهم بواسطه انجراح مقاصد سیاسی بفرار گرفتن زبان عربی مبادرت نمودند . بدیهی است توده بزبان مادری خود صحبت میکردند ولی بتدریج الفبای عربی را برای نوشتن کلمات فارسی بکار بردند و حروف عربی جایگزین الفبای پهلوی شد که مدتها

مورد استعمال ایرانیان و شاید مشکل ترین و نامناسب ترین الفبائی است که تاکنون اختراع گردیده است .

درفتن دهم که سلسله سامانی در ماوراء جیحون تشکیل گردید ایرانیان زنجیر اطاعت اعراب را گسیخته و علم استقلال افراشتند و ضمناً نظم و نثر را نیز بزبان خود که در آن موقع مخلوط با کلمات عربی بود برشته تحریر کشیده و بدین ترتیب یک زبان ادبی جدیدی که با الفبای عربی نوشته میشد ایجاد نموده و شالوده ادبیات فارسی را ریختند . در نظم اشعار نیز همان بحر و قوافی اعراب را پیروی کردند و در مدت قلیلی وزن مخصوصی نیز از خودشان اختراع نمودند . در اواخر قرن دهم زبان و شعر فارسی طوری در شکل و قاعده پیشرفت کرد که در اشعار امروزه نیز همان کلمات و بحر هزار سال پیش بکار میرود .

پروفسور برون فقید مینویسد : تقریباً تمام ایرانیان تحصیل کرده قادر بنظم اشعار نسبتاً خوب میباشند و اکثر نیز شعر میگویند و کسانی که تن باین کار داده و شاعری پیشه اختصاصی آنهاست و از خود دیوان اشعار دارند تعداد آنان همیشه اوقات زیاد است از این گذشته شعر دارای یک قواعد مخصوص معینی است که در تمام ادوار یک طرفه خاص تغییر ناپذیری ساخته میشود چنانچه اگر یکصد غزل از یکصد شاعر مختلف چهار قرن اخیر انتخاب شود ولی از شمار یکصد راجع بوقایع جاریه زمان شاعر است بانضمام مقطع هر غزل که تخلص شاعر در آن ذکر شده صرف نظر گردد تصور نمیرود که هیچ متنوع و نقاد ادیبانی نیز بتوانند غزلیات مذکور را حتی بطور تقریبی با مراعات تقدیم و تأخر زمان شاعر ردیف کنند .

اقسام چهارگانه اشعار فارسی این ایام نیز مثل زمان فردوسی همان قصیده و غزل و مثنوی و رباعی است که ایرانیان در قسم اول را از اعراب بهار به گرفته و رباعی و مثنوی را خود اختراع نمودند

قصیده مشتمل بر ابیات متعدد حتی یکصد بیت است که یک بحر و قافیه سروده شده یعنی دو فرد و مصراعهای ثانوی هر فرد اشعار دارای یک قافیه میباشد و معمولاً برای مدح یکی از امرا یا سلاطین یا راجع بیک مصیبت و بلیه عظیمی از قبیل زلزله و غیر ذلك ساخته میشود طرز قافیه بندی غزل نیز بهمان شیوه قصیده است جز این که تعداد ادبیات غزل نسبتاً از دوازده فرد تجاوز میکند در غزل نیز تخلص شاعر در مقطع ذکر میشود (بقیه دارد)